

## پنج یادگار از دهخدا

۱) دهخدا پس از بازگشت از سفر مأموریت دولتی در بالکان و پیش از قبول سردبیری روزنامه صور اسرافیل چندماهی در دستگاه امین‌الضرب خدمت می‌کرد و به سمت معاونت و مترجم خط‌شوسه خراسان در نواحی ورامین و سمنان و دامغان بود. ازین سفر گزارش‌هایی چند که او راجع به وضع راه و ترتیب امور و مقاطعه و نظر مهندس بلژیکی نوشته است باقی است که درج آنها درین صفحات مورد ندارد. از میان اوراق و ضبط خاندان مهدوی، عکس تعهدنامه مربوط به قبول این خدمت را که دهخدا نوشته و به امین‌الضرب داده بوده است درینجا به چاپ می‌رساند. حقوق دهخدا در آن سی تومان نوشته شده است و این مبلغ درست همان مبلغی است که تقی‌زاده هم در سرگذشت اونوشته نیز گفته است که میرزا قاسم خان برای سردبیری صور اسرافیل می‌خواسته است که چهل تومان به دهخدا بپردازد.

۲ و ۳) دونامه است که علی‌اکبر دهخدا به هنگام تبعید از ایران بکی را به حاجی سید نصرالله تقوی و دیگری را به حاجی سید محمد صراف طهرانی (جد بزرگ علوی) نوشته است.

۴ و ۵) در میان توده‌نامه‌های مختلف که از سال‌ها پیش نزد آقای دکتر

این بند دلایلی که در میان دیرگذشت و نهاده شده اند  
در عین حال از طرف پسران حضرت سید علی بن ابی طالب  
در عین حال از طرف پسران حضرت سید علی بن ابی طالب  
در عین حال از طرف پسران حضرت سید علی بن ابی طالب

للمطر رخصة مأمور داركة العدد ١٣٢

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
صَلَوةُ الْمُحَمَّدِ وَآلِهِ وَسَلَوةُ طَهْرَةِ  
الْمُكَ�بِلَةِ وَالْمُكَافِلَةِ ۖ

مِنْكَ فِي مِنْكَ وَهُنْكَ لَدُكَ تَعْلِمُنْكَ كَذَلِكَ  
غَرَاهْ تَعْبُدُ حَلَاهْ وَنَهْ دِلْكَ لَهُمْ هَلَاهْ  
هِنْ نَهْلَهْ رَاهْ لَهُمْ هَلَاهْ هَلَاهْ هَلَاهْ  
وَلَيْهِ نَهْلَهْ لَهُمْ هَلَاهْ هَلَاهْ هَلَاهْ  
وَلَهُمْ دَاهْلَهْ لَهُمْ هَلَاهْ هَلَاهْ هَلَاهْ  
وَلَهُمْ رَاهْلَهْ لَهُمْ هَلَاهْ هَلَاهْ هَلَاهْ  
سَهْلَهْ لَهُمْ هَلَاهْ هَلَاهْ هَلَاهْ هَلَاهْ  
كَهْ لَهُمْ هَلَاهْ هَلَاهْ هَلَاهْ هَلَاهْ  
هَلَاهْ لَهُمْ هَلَاهْ هَلَاهْ هَلَاهْ هَلَاهْ  
هَلَاهْ لَهُمْ هَلَاهْ هَلَاهْ هَلَاهْ هَلَاهْ



نیز دیگر خوب نیست از هر چیز که روحیه داشتم.

عمر شنبه که در مکان مردم عیل داده دیدم

مشتری که دیر استم چه خدم فرمد

درینه گرفته نمود اگر هزار ریال داشت

تهرم دفتر رقمه زیست زن . تجربه کامن هفتم روز در راه  
شیرین و گز قاییها را بخانه دلو آورد و یخ زم بپرسید بعد  
را رخت کنند (معم) سه روز پس از آن

دست پسر باریم داشت بر از سایه ای اینم اگر وحی

از سطح فیضان ری چند دقیقه باز روزگاریں گذشت بنویس  
علوم انسانی

ویله بجهت درست هست (۲۹)

پژوهش و مطالعات فرهنگی و اسلامی

دانشگاه تبریز

نہستم ۔۔۔ نہستہ لہرے گردھکو  
ہر سوئے زماں بیس کھوا چھڑے  
جس نہنجاں ورکتہ ہے ہوں اہل  
ہر انہن کی ۔۔۔ ملکہ ۔۔۔  
دردکر سادھہ دلخداش

دو باقاہ ۔۔۔ تین چنگیں  
امان اور افراد میں ۔۔۔ اعلوہ اعلانی و مصالحت نہ کی  
جن علوم انسانی

محمد صفوی دلفی ۔۔۔

بنیہ ایں رہا ۔۔۔

۔۔۔ دہنیا



میرزا علی اکبرخان دھنڈ

